

رابطه سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله ای با انسجام خانواده: در نمونه ای از زنان معلم

فاطمه حسینی دولت آبادی^{۱*}

سجاد سعادت^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین راهبردهای مقابله ای و سازگاری زناشویی با انسجام خانواده بر روی زنان معلم انجام شد. این پژوهش از نوع همبستگی است، بدین منظور ۱۲۰ معلم زن به شیوه نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب و به پرسشنامه های مقابله با موقعیت های استرس اندلر و پارکر (۱۹۹۰)، ابعاد سازگاری زناشویی بایسی (۱۹۹۵) و انسجام سازمان یافته خانواده فیشر (۱۹۹۲) پاسخ دادند. طرح پژوهشی از نوع همبستگی بوده و جهت تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان می دهد که راهبردهای مقابله ای مسئله محور ($r=0/40$) و سازگاری زناشویی ($r=0/62$) با انسجام خانواده همبستگی مثبت معنادار دارند ($P < 0/01$). همچنین بین سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله ای مسئله محور همبستگی مثبت معنادار ($r=0/36$) بدست آمد ($P < 0/01$). نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله ای مسئله محور به طور معناداری ۰/۴۲ از واریانس انسجام خانواده را پیش بینی می کنند.

واژه های کلیدی: راهبردهای مقابله ای، سازگاری زناشویی، انسجام خانواده، طلاق

۱. نویسنده مسئول) گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

ایمیل: fhosseinyy@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

sajjadsaadat69@gmail.com

مقدمه

ازدواج عامل پیدایش خانواده است و خانواده از دیدگاهی یک نشان یا نماد اجتماعی به حساب می‌آید و برآیند یا انعکاسی از کل جامعه است. در یک جامعه‌ی منحنی، خانواده نیز خود به خود منحنی خواهد بود؛ برعکس در سلامت جامعه، سازمان‌های آن از جمله خانواده نیز از سلامت برخوردار خواهند بود (ساروخانی، ۱۳۸۸). هر چند ازدواج پیوندی همیشگی تلقی می‌شود، اما پیوندهای ناموفق ممکن است از هم پاشیده شوند که در اکثر جوامع این چنین است. با این همه بسیاری از ازدواج‌ها که به جدایی و طلاق ختم نمی‌شوند، دچار آشفتگی هستند (سادوک و سادوک، ۲۰۰۷). با توجه به گذر جامعه از حالت سنتی به صنعتی و مدرنیسم، مشکلات خانواده یکی از معضلات مهم در حیطه بهداشت روان خانواده و جامعه تبدیل شده است. افزایش میزان رجوع به مراکز خانواده درمانی و افزایش رفتارهای کمک خواهانه از متخصصین نشان از وجود یک معضل جدی در بهداشت روان خانواده است. آمارهای رسمی نشان می‌دهند که متأسفانه از نظر نسبت طلاق به ازدواج، ایران یکی از هفت کشور دنیاست (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰). در عصر حاضر طلاق^۱ و آسیب‌های ناشی از آن یکی از بحث برانگیزترین مسائل در ارتباط با نهاد خانواده می‌باشد؛ بامرین، طلاق را به ختم قانونی ازدواج تعریف می‌کند که از نظر قانونی و شرعی کاملاً معتبر و مجاز می‌باشد (بامرین، ۲۰۱۲). مهم‌ترین عامل فروپاشی خانواده، متارکه و طلاق است. هر چند طلاق از ابتدای زندگی اجتماعی بشر وجود داشته و حتی طبق قدیمی‌ترین اسناد حقوقی موجود از همان ابتدا صورت قانونی داشته است، اما در هر زمانی، درصد نسبی طلاق در حد معقولی بوده و وجود آن ضرر جبران ناپذیری به بنیاد اجتماع وارد نمی‌ساخته است؛ ولی امروزه جامعه انسانی شاهد افزایش روزافزون نرخ طلاق در جامعه است (حق شناس، ۱۳۸۸). به طوری که طبق آمارهای رسمی ایران از هر هزار مورد ازدواج دویست مورد به طلاق منجر می‌شود (یوسفی، ۱۳۹۰).

برخی از خانواده‌های آشفته گمان می‌کنند که با طلاق و جدایی از دست یکدیگر و مشکلات آسوده می‌شوند، اما طلاق پایان دادن به مشکلات و ناسازگاری‌ها نیست، بلکه شروعی برای رو به رو شدن با مشکلات جدید و شاید آسیب‌زا تر از قبل است. آثار طلاق در مردان بدان سان است که آنان را افرادی غیر متعهد بار می‌آورد. آمار جنایی نشان می‌دهد که تعداد این افراد غیر متعهد در میان زندانیان قابل ملاحظه است. آثار طلاق در زنان به خصوص زنانی که پناهگاهی ندارند و فاقد استقلال اقتصادی هستند سخت‌تر است. زنان مطلقه خیلی دیر به خانه بخت دوم گام می‌نهند و چه بسا که این امید هرگز جامعه عمل نباشد و احتمالاً راه را برای انحراف و سقوط به سوی آنها را بگشاید. آثار طلاق بر روی فرزندان متعلق به کانون از هم پاشیده بسیار شدید است. عقیده‌ای غیر قابل تحمل و توأم با نفرت در آنان به

1. Divorce
2. Baumrin

وجود می‌آورد که شدیدتر از وضع یتیمی است و بر اساس تحقیقات انجام شده همبستگی مثبتی بین طلاق والدین و بزهکاری نوجوانان وجود دارد. طلاق و از هم پاشیدگی خانوادگی در میان جمعیت کيفری شایع می‌باشد و میزان طلاق معیاری برای سنجش تزلزل اجتماعی است (کی‌نیا، ۱۳۷۰). بر اساس برخی از تحقیقات، کودکان به خاطر از دست دادن امنیت مالی و عاطفی رنج می‌برند و طلاق تاثیر عمیقی بر روی زندگی شان می‌گذارد. طلاق در همه‌ی سنین آسیب‌رسان است و هم‌رویی دختران و پسران تاثیر می‌گذارد و این تاثیرات در سنین مختلف متفاوت است. طبق نتایج پژوهش‌های انجام شده، در اکثر موارد آثار مخرب طلاق بر زنان بسیار شدیدتر از مردان است. بسیاری از زنانی که گسسته شدن خانواده شان را تجربه می‌کنند، افزایش پریشانی، افسردگی، تنهایی، خشم، پشیمانی، عدم کنترل و درماندگی را گزارش کرده‌اند (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰). قربانی (۱۳۸۵) نشان داد که فرزندان خانواده‌های طلاق مشکلات جدی در سلامت روان دارند و میزان افسردگی ۲۶ درصدی را گزارش کرده‌اند این در حالی است که فرزندان خانواده‌های عادی فقط ۸ درصد گزارش کرده‌اند. علوی (۱۳۸۶) معتقد است که جدایی والدین از همدیگر در گرایش فرزندان به بزهکاری موثر است. در ارتباط با طلاق و عوامل موثر بر آن پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است و پژوهشگران عوامل گوناگونی را ذکر کرده‌اند.

حق‌شناس (۱۳۸۸) گسترش ازدواج‌های عاشقانه، تغییر در قوانین طلاق، افت مذهب و اعتقادات مذهبی در کشورهای توسعه‌یافته، تغییر نگرش‌ها در مورد نقش‌های مناسب برای زنان «برابری جنسی زن و مرد»، استقلال اقتصادی زنان، فاصله فرهنگی زوجین و آزادی روابط جنسی را به عنوان دلایل اجتماعی و فرهنگی رشد طلاق ذکر کرده است. بنی‌جمالی و همکاران (۱۳۸۳) پایین بودن سن جوانان به هنگام ازدواج، فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کم بودن سطح تحصیلات، پایین بودن سطح شغلی، دخالت بی‌مورد اطرافیان، پدیده طلاق والدین زوجین، وابستگی مالی زوجین به والدین همه به عنوان عوامل از هم پاشیدگی خانواده‌ها و تهدیدکننده زندگی مشترک زوجین جوان به حساب می‌آیند. برخی از صاحب‌نظران اعتقاد بر این دارند که افزایش میزان مشارکت زنان در بازار اشتغال و تسهیل قوانین طلاق از عوامل موثر در گسترش روزافزون طلاق در جوامع مدرن است (بارگین^۱ و همکاران، ۲۰۱۲).

مهم‌ترین عامل در کاهش طلاق، بالا بردن سطح انسجام و پیوستگی در خانواده‌ها است (ویلی و اینس^۲، ۲۰۰۵). انسجام خانواده^۳ در مقابل از هم گسیختگی قرار می‌گیرد و شامل روابط گرم و صمیمی بین همسران و فرزندان با والدین است. میراندا و همکاران معتقدند: که بین سازگاری افراد در زندگی فردی و مشترک و متغیرهای انسجام خانوادگی و برخی از

-
1. Bargain
 2. Wiley and Inc
 3. Family Cohesion

شاخص‌های محیط خانواده ارتباط وجود دارد (میرندا^۱ و همکاران، ۲۰۰۰). السون و همکاران انسجام خانواده را به پیوند عاطفی که بین اعضای خانواده وجود دارد تعریف می‌کنند که این انسجام در سطوح متفاوتی در خانواده‌ها وجود دارد، برخی از خانواده‌ها سطح بالایی از پیوند عاطفی با یکدیگر دارند و برخی دیگر در سطوح متوسط و پایین قرار می‌گیرند (السون^۲ و همکاران، ۱۹۸۵). در مطالعه‌ای که توسط سارولین و همکاران انجام شد نتایج نشان داد که سطح پایین انسجام در خانواده با رفتارهای بزهکارانه در پسران و پرخاشگری در دختران در همراه است. از آنجا که دختران در جریان جامعه‌پذیری یاد گرفته‌اند که باید سازگار تر از پسران باشند و خشونت خود را بروز ندهند، غالب رفتارهای ضد اجتماعی که انجام می‌دهند به صورت ملایم تر از پسران می‌باشد (سارولین^۳، ۲۰۰۹). در پژوهشی دیگر نتایج نشان داد که سطح پایین انسجام در خانواده با افزایش احساس تنهایی، اجتناب از تعاملات اجتماعی و اضطراب اجتماعی در تعاملات بین فردی در نوجوانان و جوانان در ارتباط است. در واقع اگر نوجوانان انسجام و همبستگی در محیط خانواده دریافت نکنند این احساس به آنها دست می‌دهد که در زندگی کسی یا کسانی وجود ندارند که تنهایی آنها را پر کنند و در نتیجه احساس تنهایی می‌کنند. نتایج دیگر این پژوهش دلالت بر این داشت که نوجوانان در سایه ارتباطات درست و منسجم خانواده یاد می‌گیرند که چطور در محیط بیرون از خانه ارتباط برقرار کنند و در نتیجه اگر خانواده گرم و پویایی نداشته باشند در برقراری ارتباط در محیط‌های بیرون از خانه نیز با شکست مواجه می‌شوند (جانسون^۴، ۲۰۰۱).

جهت پیشگیری از نارضایتی زناشویی و طلاق می‌بایست به عوامل موثر بر آن توجه نمود. در زندگی زناشویی عوامل زیادی تأثیر گذار هستند، تعدادی از این عوامل تسهیل‌کننده‌ی سازگاری و برخی نیز زندگی زناشویی را دچار مشکلاتی می‌سازند (اکبری، ۱۳۸۷). یکی از جوانب بسیار مهم یک نظام زناشویی، نارضایتی است که همسران در ازدواج تجربه می‌کنند، ولیکن آمار طلاق یکی از معتبرترین شاخص‌های آشفتگی زناشویی در هر جامعه‌ای است (گوتمن، ۱۹۹۳ نقل از یوسفی، ۱۳۹۰). اما این نکته را نباید نادیده گرفت که اگر در جامعه‌ای آمار طلاق ناچیز است، الزاما به معنای ازدواج موفق و سازگاری زناشویی نیست. بلکه بسیاری از زوج‌ها در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که طلاق روانی در آن حکم فرماست. بدین معنا که هیچ‌گونه رابطه‌ی عاطفی و جسمانی میان زن و شوهر وجود ندارد و زندگی به صورت اجباری و با کمترین تعامل پیش می‌رود (جنتی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۹). یوسفی و باقریان (۱۳۹۰) نشان دادند که ملاکهای همسرگزینی و فرسودگی زناشویی به طور معنادار قادر به تبیین اقدام افراد به طلاق می‌باشند به عبارت دیگر این پژوهش نقش ملاکهای همسرگزینی محتوایی

1. Miranda
2. Olson
3. Carolyn
4. Johnson

و فرسودگی زناشویی را به عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده احتمال طلاق در زوجین مورد تایید قرار داده است. بر این اساس ارتقاء کیفیت روابط درون خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در پیشگیری از طلاق می‌باشد در واقع اکثر طلاق‌ها به دلیل فقدان یک محیط امن و لذت‌بخش برای ادامه زندگی اتفاق می‌افتد.

سازگاری زناشویی^۱ یکی از متغیرهای مرتبط با انسجام خانواده می‌باشد (میرندا و همکاران، ۲۰۰۰). لاک و والاس^۲ (۱۹۵۹) سازگاری زناشویی را به میزان توافق و انطباق زن و شوهر با یکدیگر، در یک دوره زمانی مشخص تعریف می‌کنند. نظر به اهمیت سازگاری زناشویی در نهاد خانواده در جهت پیشگیری از طلاق پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است. پژوهشگران عوامل متعددی را به عنوان عوامل موثر بر سازگاری و رضایت زناشویی مطرح نموده‌اند. میر فردی و همکاران معتقدند که با توجه به اهمیت مفهوم کیفیت روابط زوجین و با توجه به بافت و فرهنگی جامعه ایران، تحقیقاتی که به بررسی ریشه‌ای رضایت و کیفیت روابط زناشویی و عوامل موثر بر آن پردازند بسیار اندک است. بنابراین آنها در در تحقیق خود، رابطه طول مدت ازدواج، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات، و سطح درآمد را با رضایت زناشویی در زنان متأهل مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که بین طول مدت ازدواج و سطح درآمد خانواده با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد. اما بین سن زنان و تعداد فرزندان با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون مشخص شد که سن، می‌تواند به عنوان متغیری پیش‌بین به طور معناداری رضایت زناشویی را در زنان تبیین نماید (میرفردی و همکاران، ۲۰۱۰). استرود^۴ (۲۰۱۰) معتقد است که بین ویژگی‌های شخصیت و مدت زمانی که از ازدواج زوجین می‌گذرد با سازگاری زناشویی ارتباط معنادار وجود دارد. یافته قابل توجه دیگر این است که ویژگی‌های شخصیت در ازدواج‌هایی که مدت زمان بیشتری از آن می‌گذرد، تاثیر کمتری بر سازگاری زوجین می‌گذارد. به این دلیل که به مرور زمان که از مدت زمان ازدواج می‌گذرد، هر یک از زوجین نسبت به طرف مقابل شناخت بیشتری کسب کرده، و با ویژگی و خصوصیات شخصیتی یک دیگر سازگاری بیشتری کسب می‌کنند. سهرابی و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند که بین بخشودگی زناشویی و سبک دلبستگی ایمن با سازگاری زناشویی ارتباط معنادار مثبت وجود دارد، علاوه بر این سبک‌های دلبستگی و بخشودگی زناشویی به طور معنادار تقریباً ۴۶ درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین می‌کنند.

در تحقیق دیگری که توسط غفوری و همکاران (۱۳۸۸) انجام شد نتایج حاکی از این بود که موفقیت و شکست در رابطه زناشویی را می‌توان از طریق متغیرهای سبک دلبستگی و نگرش مذهبی پیش‌بینی نمود، هر چه زوجین سبک دلبستگی ایمن بالاتر و سبک دلبستگی اجتنابی

1. Marital Adjustment

2. Locke and Wallace

3. Mirfardi

4. Straud

و دوسوگرایانه پایین تری داشته باشند و همچنین از نگرش مذهبی بالاتری برخوردار باشند، احتمال موفقیت در رابطه زناشویی آنها بیشتر است. در تحقیقی که توسط زرگر و همکاران (۱۳۸۷) انجام شد نتایج نشان داد که بین نگرش مذهبی با آمادگی به اعتیاد رابطه منفی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، افرادی که نگرش مذهبی بیشتری دارند کمتر مستعد اعتیاد هستند و همچنین بین رضایت زناشویی با آمادگی به اعتیاد رابطه منفی معنی دار وجود دارد. به عبارت دیگر افرادی که رضایت کمتری از همسر خود دارند بیشتر در معرض گرایش به اعتیاد قرار دارند و همچنین معنادان در مقایسه با افراد غیر معتاد، رضایت عاطفی و جنسی کمتری از همسر خود دارند. از جمله عوامل نارضایتی از همسر وجود برخی ویژگی‌های شخصیتی در هر کدام از همسران، اشتغال بیش از حد مرد، انتظارات بیش از حد همسران از یکدیگر می‌باشد. طبق دیدگاه والش و انسجام خانواده، سازگاری و مقابله مطلوب در برابر استرس را تسهیل می‌بخشد (والش^۱، ۲۰۰۹). عبدالهی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی دریافتند که رضایت زناشویی با هوش هیجانی و سبک مقابله مسئله محور در ارتباط است.

بسیاری از اختلافات در خانواده‌ها ناشی از وجود مشکلات و موقعیت‌های استرس‌زایی همچون مدیریت مالی، مسائل زناشویی، تربیت فرزندان و... می‌باشد؛ که همسران برای مقابله با این موقعیت‌ها توان استفاده از راهبردهای کارآمد را ندارند. زوجین نا موفق از راهبردهای نا کارآمدی همچون اجتناب از مسائل و جنجال به پا کردن و بگو مگوهای بی نتیجه استفاده می‌کنند، این در حالی است که زوجین موفق راهبردهای مبتنی بر حل تعارض، کمک از متخصصین و دریافت حمایت از خانواده‌های اصلی خود استفاده می‌کنند که به مراتب موجب بالا رفتن سطح عملکرد مطلوب خانواده می‌شود. پودرووسکا و کار در پژوهشی دریافتند که راهبردهای مقابله‌ای نا کارآمد و ادراک سطح بالای استرس موجب اختلال در عملکرد سیستم خانواده و تعارضات زناشویی می‌شود، نتایج دیگر بیانگر این مطلب بود که بین اقدام به طلاق و راهبردهای مقابله‌ای مقابله‌ای نا کارآمد در خانواده‌ها همبستگی مثبت وجود دارد (پودرووسکا و کار^۲، ۲۰۰۸). راهبردهای مقابله‌ای^۳ یکی از متغیرهای مرتبط با سازگاری زناشویی و انسجام خانواده است (مرادی، ۲۰۱۱؛ اسماعیلیکیا، ۲۰۱۳). راهبردهای مقابله‌ای به تلاش‌های شناختی و رفتاری جهت جلوگیری، مدیریت و کاهش تنیدگی اشاره دارند که افراد در موقعیت‌های استرس‌زا آنها را بکار می‌گیرند (لازاروس و فالکمن^۴، ۱۹۸۴). اندلر و پارکر^۵ (۱۹۹۰) افراد را بر حسب سه نوع اساسی راهبردهای مقابله‌ای مجزا می‌سازند: راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور، هیجان محور و اجتنابی؛ راهبردهای مسئله محور، راهبردهایی را در بر می‌گیرد که در آنها فرد به جست‌وجوی اطلاعات بیشتر درباره مسئله، تغییر ساختار مسئله از نظر شناختی، محاسبات

1. Walsh
2. Pudrovska and Carr
3. Coping Strategies
4. Lazarus and Folkman
5. Endler and Parker

و اولویت دادن به حل مسئله می‌پردازد. راهبردهای هیجان‌محور شیوه‌هایی را در بر می‌گیرد که در آن فرد به جای حل مسئله خود، تلاش می‌کند احساسات ناخوشایند خویش را کاهش دهد. راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور شامل عصبی و ناراحت شدن، گریه کردن، عیب‌جویی و اشتغال ذهنی است. راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی رفتارهایی را شامل می‌شود که بیشتر از نوع اجتناب و فرار از موقعیت پر استرس است. سودانی و همکاران (۱۳۸۸) آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله به زوجینی که در تعامل‌های زناشویی مشکل دارند، باعث بهبود روابط زناشویی و کاهش تعارض‌ها می‌شود و در نهایت افزایش سلامت روان را به دنبال دارد. بر این اساس نقش مهارت‌های زندگی و مقابله‌ای و چگونگی رو به رو شدن با مسائل و مشکلات در خانواده یکی از عوامل زمینه‌ساز در رضایت و سازگاری زناشویی زوجین است. براساس مطالعات پیشین متغیرهای سازگاری زناشویی و کیفیت روابط درون خانواده و راهبردهای مقابله‌ای از عوامل موثر در پیشگیری از طلاق به حساب می‌آید و همچنین مشخص شد که راهبردهای مقابله‌ای کارآمد به عنوان یکی از مهارت‌های زندگی تا چه اندازه می‌توانند موجبات سازگاری و خرسندی افراد را در خانواده تضمین کند.

با توجه به مطالعات و نظرات مطرح شده در ارتباط با راهبردهای مقابله‌ای، انسجام خانواده و سازگاری زناشویی ای‌چنین می‌توان استنباط کرد که انسجام خانواده و سازگاری زناشویی دو رکن به هم پیوسته در خانواده می‌باشند. در واقع اگر در خانواده ای سازگاری زناشویی بین زوجین برقرار باشد مسلماً آن خانواده در سطح رضایت بخشی از انسجام قرار دارد. افزایش میزان طلاق و از هم گسیختگی خانواده‌ها در جامعه و وجود انواع مشکلات ناشی از آن، ضرورت انجام تحقیقاتی را در این زمینه ایجاب می‌کند. در صورت وجود سازگاری زناشویی در زوجین و بالا رفتن سطح انسجام خانواده، می‌توان انتظار داشت که بنیان خانواده تحکیم و ثبات بیشتری پیدا کند و با تحکیم و ثبات نهاد مهمی همچون خانواده، جامعه سالم تری نیز خواهیم داشت. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله‌ای با انسجام خانواده در نمونه ای از زنان معلم انجام شده است. در نهایت به بررسی این مطلب پرداخته خواهد شد که سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله‌ای تا چه اندازه قادر به تبیین واریانس انسجام خانواده می‌باشند.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

این مطالعه، پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه زنان معلم مقطع متوسطه ناحیه یک و دو آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ در شهرستان رشت می‌باشند. نمونه ای به حجم ۱۲۰ معلم زن بر اساس جدول کرجسی و مورگان^(۱۹۷۰)

به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از ۲۰ مدرسه انتخاب شدند. در برخی از پژوهش‌ها به علت بالا بودن تعداد اعضای جامعه و تدابیر امنیتی و محرمانه بودن اطلاعات شخصی، امکان تهیه لیست از اعضای جامعه تحقیق امکان‌پذیر نیست. در این شرایط بهترین روش برای نمونه‌گیری، روش ذکر شده می‌باشد.

ابزارهای تحقیق

پرسشنامه ابعاد سازگاری زناشویی باسی^۱

مقیاس سازگاری زناشویی دو نفری در سال ۱۹۷۶ توسط اسپاینر به منظور سنجش ارتباط بین زوجین طراحی گردید. در سال ۱۹۹۵ توسط باسی و همکاران مورد بازنگری قرار گرفت در حال حاضر این پرسشنامه ۱۴ سوال در مقیاس لیکرت ۶ عامل دارد که سه بعد تفاهم^۲، رضایتمندی^۳ و انسجام^۴ بین زوجین را اندازه‌گیری می‌کند. نمره کلی این آزمون بیانگر میزان سازگاری زناشویی زوجین می‌باشد. حداقل و حداکثر نمره در این مقیاس بین ۰ تا ۶۹ می‌باشد. باسی و همکاران همسانی درونی این آزمون به روش کرونباخ آلفا را بین ۰/۷۰ تا ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند (باسی^۵ و همکاران، ۱۹۹۵). کرانه^۶ و همکاران (۲۰۰۰) همسانی درونی این آزمون را در زوجین ۰/۹۰ کرونباخ آلفا محاسبه کرده‌اند. همسانی درونی این آزمون بر روی زوجین ایرانی ۰/۹۰ کرونباخ آلفا محاسبه کرده‌اند (علویان و همکاران، ۱۳۸۵). باسی و همکاران (۱۹۹۵) به منظور تعیین روایی این آزمون از اجرای همزمان آزمون سازگاری زناشویی لاک و والاس استفاده کردند و میزان همبستگی ۰/۶۸ بدست آوردند. همچنین میزان همبستگی این آزمون با آزمون اصلی اسپاینر (۱۹۷۶) ۰/۹۷ گزارش شده است. در پژوهش حاضر همسانی درونی این آزمون ۰/۹۰ کرونباخ آلفا محاسبه شده است.

مقیاس انسجام سازمان یافته خانواده^۷

این مقیاس توسط فیشر^۸ و همکاران (۱۹۹۲) به عنوان بخشی از پروژه سلامت خانواده کالیفرنیا به منظور سنجش همبستگی و انسجام اعضای خانواده با یکدیگر طراحی شد. در این بررسی مشخص شد که این آزمون با حالت کلی خوب بودن و رضایت از زندگی ارتباط مثبت دارد و در مقابل با میزان اضطراب و افسردگی زوجین ارتباط منفی دارد. نسخه اولیه آن ۲۹ سوال داشت که در مطالعات بعدی به ۱۳ سوال تقلیل یافت. در پژوهش حاضر از نسخه تجدید نظر

1. Busby Revised Dyadic Adjustment Scale
2. Consensus
3. Satisfaction
4. Cohesion
5. Busby
6. Crane
7. Family Organized Cohesiveness Scale
8. Fischer

شده استفاد شد که حاوی ۱۳ سوال در مقیاس لیکرت ۶ عامل می‌باشد، استفاده شد. این مقیاس چهار حوزه انسجام^۱، مشارکت^۲، وضوح قواعد^۳ و وضوح رهبری^۴ در خانواده را اندازه‌گیری می‌کند که نمره کل آزمون بیانگر میزان انسجام و همبستگی درون خانواده است. دامنه نمرات در این مقیاس از ۱۳ تا ۷۸ می‌باشد. فیشر و همکاران همسانی درونی این آزمون را به روش کرونباخ آلفا ۰/۷۸ و برای فرم قدیمی ۲۹ سوالی ۰/۸۸ گزارش کرده‌اند. همچنین وجود ارتباط معنادار بین این آزمون با متغیرهای در ارتباط با سلامت که در بالا ذکر شد و وجود ارتباط مثبت بین این آزمون با متغیر عزت نفس در زوجین بیانگر روایی این آزمون می‌باشد. همچنین حصول نمرات متفاوت این آزمون در خانواده‌های متعادل، سنتی دلالت بر روایی تفکیکی این آزمون دارد (فیشر و همکاران، ۱۹۹۲). در ایران این پرسشنامه توسط صادقی و همکاران (۲۰۱۴) بر روی ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه گیلان اجرا شد و همسانی درونی آن ۰/۸۷ کرونباخ آلفا محاسبه شد. همچنین نتیجه باز آزمایی این پرسشنامه بر روی ۲۰ نفر از دانشجویان در فاصله دو هفته ($I=0/79$) محاسبه شده است و روایی محتوایی آن پس از ترجمه توسط سه نفر از اعضای هیئت علمی گروه مشاوره دانشگاه گیلان تایید شده است. در پژوهش حاضر به منظور محاسبه پایایی از روش باز آزمایی با فاصله ۱۵ روز بر روی ۲۰ معلم زن استفاده شد که میزان پایایی آن ۰/۷۳ محاسبه شد. همچنین همسانی درونی آزمون بر روی ۱۲۰ نمونه از زنان معلم ۰/۸۴ کرونباخ آلفا محاسبه شده است.

پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس - ۵۲۱

فرم کوتاه پرسشنامه مقابله با شرایط پر استرس توسط اندلر و پارکر (۱۹۹۰) ساخته شده است. این آزمون به عنوان فرم بزرگسالان و نوجوانان قابل استفاده بوده و از ۲۱ ماده تشکیل شده است. هر سوال از ۵ مقیاس درجه بندی لیکرتی هرگز "نمره ۱" تا خیلی زیاد "نمره ۵" تشکیل شده است. ۷ ماده ی این آزمون رفتارهای مسئله محور را اندازه‌گیری می‌کند. ۷ ماده رفتارهای هیجان محور و ۷ ماده ی باقیمانده رفتارهای اجتنابی فرد را اندازه‌گیری می‌کند. بوی سان^۶ (۲۰۱۲) پایایی این آزمون را به روش باز آزمایی بعد از ۱۵ روز بر روی دانشجویان ترکیه برای زیر مقیاس‌های مسئله محور ۰/۷۹، هیجان محور ۰/۷۵ و برای راهبردهای مقابله ای اجتنابی ۰/۶۶ گزارش کرده است. وی همچنین همسانی درونی زیر مقیاس‌ها را به روش کرونباخ آلفا به ترتیب برای راهبردهای مقابله ای مسئله محور ۰/۷۸ و برای راهبردهای مقابله ای هیجان محور ۰/۷۸ و برای راهبردهای مقابله ای اجتنابی ۰/۷۰ گزارش کرده است. در ایران

1. Cohesion
2. Sharedness
3. Clarity of rules
4. Clarity of leadership
5. Coping Inventory for Stress full Situations
6. Boysan

حجتی نیا و همکاران (۱۳۹۲) همسانی درونی کل آزمون را ۰/۷۶ گزارش کرده‌اند. همسانی درونی خرده مقیاس‌های آزمون به روش کرونباخ آلفا در پژوهش حاضر برای راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور ۰/۷۰، برای راهبردهای مقابله‌ای هیجان محور ۰/۷۴ و برای راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی ۰/۷۰ محاسبه شده است.

یافته‌های پژوهشی:

یافته‌های توصیفی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش و همچنین میزان همسانی درونی هر یک از ابزارهای تحقیق به روش کرونباخ آلفا بین ۱۲۰ نفر از زنان معلم در میانگین سنی ۳۶ سال در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی

کل نمونه		متغیرهای پژوهش		
تعداد	میانگین	انحراف معیار	همسانی درونی، آلفا	
۱۲۰	۶۴/۰۵	۱۰/۸۹	۰/۸۴	انسجام خانواده
۱۲۰	۵۰/۶۵	۱۱/۶۷	۰/۹۰	سازگاری زناشویی
۱۲۰	۲۵/۱۵	۴/۴۲	۰/۷۰	مقابله مسئله محور
۱۲۰	۲۱/۷۰	۵/۳۹	۰/۷۴	مقابله هیجان محور
۱۲۰	۱۸/۷۵	۵/۵۰	۰/۷۰	مقابله اجتنابی

طبق جدول شماره ۱ متغیر انسجام خانواده با میانگین ۶۴/۰۵ و انحراف معیار ۱۰/۸۹، متغیر سازگاری زناشویی با میانگین ۵۰/۶۵ و انحراف معیار ۱۱/۶۷، متغیر راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور با میانگین ۲۵/۱۵ و انحراف معیار ۴/۴۲ گزارش شده است. در ادامه متغیر راهبردهای مقابله‌ای هیجان محور و اجتنابی به ترتیب با میانگین‌های ۲۱/۷۰ و ۱۸/۷۵ و با انحراف معیار ۵/۳۹ و ۵/۵۰ گزارش شده است. همچنین میزان همسانی درونی هر یک از ابزارها و زیرمقیاس‌های پژوهش به روش کرونباخ آلفا محاسبه شده است؛ که در قسمت ابزارهای تحقیق ذکر شده است. به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش از روش همبستگی پیرسون استفاده شده است که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق

متغیرها	انسجام خانواده	سازگاری زناشویی	مقابله مسئله محور	مقابله هیجان محور	مقابله اجتنابی
انسجام خانواده	۱	-	-	-	-
سازگاری زناشویی	**۰/۶۲	۱	-	-	-
مقابله مسئله محور	**۰/۴۰	**۰/۳۶	۱	-	-
مقابله هیجان محور	-۰/۰۷	-۰/۰۸	-۰/۰۶	۱	-
مقابله اجتنابی	-۰/۰۲	-۰/۰۳	۰/۰۳	**۰/۲۶	۱

** <math>P < ۰/۰۱</math>

ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۲ ارائه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای سازگاری زناشویی با ضریب همبستگی $0/62$ و راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور با ضریب همبستگی $0/40$ با انسجام خانواده در سطح معناداری $P < 0/01$ همبستگی مثبت و معنادار دارند. همچنین نتایج دیگر نشان داد که بین سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور در سطح معناداری $P < 0/01$ با ضریب همبستگی $0/36$ همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد.

جدول ۳: متغیرهای پیش بین درون معادله به منظور پیش بینی انسجام خانواده

گام‌ها	متغیرها	r	r ²	F	B	Beta	T	P
اول	سازگاری زناشویی	0/62	0/39	75/70	0/58	0/62	8/70	0/000
دوم	مقابله مسئله محور	0/65	0/42	43/16	0/48	0/19	2/62	0/000

برای تعیین سهم متغیرهای راهبردهای مقابله‌ای و سازگاری زناشویی در پیش بینی انسجام خانواده از رگرسیون گام به گام استفاده شد. با توجه به یافته‌های جدول شماره ۳، نتایج نشان داد در گام اول سازگاری زناشویی همبستگی بالا و معناداری با انسجام خانواده دارد و ضریب تی برای آن حدوداً $8/70$ می‌باشد که با مقدار پی $0/000$ معنادار است. در گام دوم راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور وارد معادله شد که ضریب تی برای آن $2/62$ است و از نظر آماری نیز معنی دار بود. در نهایت متغیرهای پیش بین در دو گام رگرسیون $0/42$ از واریانس انسجام را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه گیری

خانواده مهم ترین نهاد اجتماعی، تربیتی در جامعه به شمار می‌رود. از هم گسیختگی و افزایش میزان طلاق در این نهاد مقدس، به معنای ایجاد یک مشکل بزرگ در عرصه تربیتی یک جامعه است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای و سازگاری زناشویی با انسجام خانواده در روی نمونه‌ای از زنان معلم انجام شد. نتایج نشان داد که بین سازگاری زناشویی و انسجام خانواده همبستگی معنادار مثبت وجود دارد. نتایج تحقیق حاضر با مطالعات بخشی پور و همکاران (۱۳۹۰)، باباخانی پور (۱۳۸۹)، ویلی و آینس (۲۰۰۵) و میراندا و همکاران (۲۰۰۰) همسو می‌باشد. در پژوهشی بخشی پور و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان دادند، زوجینی که در آستانه طلاق بودند، سطح بالایی از ناسازگاری زناشویی و عملکرد مختل شده در سیستم خانواده را گزارش کردند. باباخانی پور (۱۳۸۹) بین عملکرد مطلوب خانواده و رضایت زناشویی والدین ارتباط معنادار مثبت وجود دارد. عملکرد نامطلوب خانوادگی و سطح نامطلوب رضایت زناشویی می‌تواند پیش‌بینی کننده رفتار خودکشی در نوجوانان باشند. در این میان، بعد نقشها در عملکرد خانواده و حیطه مسایل شخصی، مدیریت مالی، و فرزندپروری متغیرهای پیش بین بهتری برای اقدام به خودکشی در نوجوانان اینگونه

خانواده‌ها بودند. سیف و اسلامی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای جهت بررسی نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی، به این نتیجه رسیدند که متغیرهای عدم تغییر پذیری همسر، تفاوت‌های جنسیتی و کمال‌گرایی جنسی در بین زنان و مردان با پیوستگی و انعطاف‌پذیری کارکرد خانواده و نیز با سازگاری زناشویی ارتباط معنی‌داری دارند؛ به طوری که اهمیت این باورها هم در کارکرد خانواده و هم در سازگاری زناشویی قابل ملاحظه بودند. ویلی و انس معتقدند: عملکرد خانواده زمانی بهبود پیدا می‌کند که سطح تعارضات بین زوجین کاهش یابد و زوجین به میزان رضایت بخشی از سازگاری دست یابند و به همان اندازه میزان انسجام در خانواده افزایش یابد (ویلی و آینس، ۲۰۰۵). در پژوهشی که در کشور امریکا جهت بررسی عوامل موثر در گرایش زنان به مصرف سیگار انجام شد، نتایج نشان داد که متغیرهای محل تولد، کنترل سرسختانه دیگران بر فرد و انسجام پایین خانواده از عوامل موثر در گرایش زنان به مصرف سیگار می‌باشد (کونرود^۱ و همکاران، ۱۹۹۹).

نتایج دیگر این پژوهش نشان داد که بین راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور و فعال و انسجام خانواده همبستگی معنادار وجود دارد. نتایج تحقیق حاضر با مطالعات، اسماعیلی کیا (۲۰۱۳)، ملیندز^۲ و همکاران (۲۰۱۰)، ترسک^۳ و همکاران (۲۰۰۳)، گراهام^۴ و همکاران (۱۹۹۷) و قدیری و نوش کیا (۱۳۸۷) همسو می‌باشد. چراغی و حسن زاده (۱۳۹۰) نشان دادند که میزان انسجام خانواده با شیوه مساله مدار و سپس با شیوه هیجان مدار همبستگی مثبت و با شیوه اجتنابی همبستگی منفی معنی دار دارد. این بدین معناست که افراد با میزان انسجام خانواده بالا، بیشتر از شیوه مقابله با استرس مساله مدار و سپس از شیوه هیجان مدار و افراد با میزان انسجام خانواده پایین از شیوه اجتنابی استفاده می‌کنند. همچنین میزان انسجام خانواده پیش بینی کننده‌ی شیوه‌ی مقابله با استرس مساله مدار است و می‌توان ۱۶ درصد متغیر شیوه‌ی مقابله مساله مدار را از طریق انسجام خانواده تبیین کرد. کدیور و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهشی نشان دادند که بین عملکرد خانواده و انتخاب سبک‌های سه‌گانه مقابله، رابطه معنی دار وجود دارد و بین عملکرد مطلوب خانواده و بکارگیری راهبردهای مقابله‌ای کارآمد همبستگی مثبت وجود دارد.

از نتایج دیگر این پژوهش وجود همبستگی مثبت و معنادار بین سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور بود. نتایج تحقیق حاضر با مطالعات، محمودی (۲۰۱۱)، کلارک و لاور^۵ (۱۹۹۹) و دالکوئیست^۶ و همکاران (۱۹۹۶) همسو می‌باشد. محمودی (۲۰۱۱) در پژوهشی نشان داد که بین راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور و رضایت زناشویی همبستگی

1. Coonrod
2. Melinds
3. Trask
4. Graham
5. Clarke and Lavery
6. Dahlquist

معنادار مثبت وجود دارد. لوسیر^۱ و همکاران (۱۹۹۷) در پژوهشی نشان دادند که سازگاری زناشویی با سبک دلبستگی ایمن و راهبردهای مقابله‌ای کارآمد همراه می‌باشد، در مقابل بین سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و هیجان‌محور همبستگی منفی وجود دارد. تمنایی فر (۱۳۹۰) در پژوهشی جهت بررسی مقایسه‌ای سلامت روانی، سازگاری زناشویی و پاسخ‌های مقابله‌ای در زنان بارور و نابارور انجام داد، نتایج نشان داد که بین سلامت روانی، سازگاری زناشویی و پاسخ‌های مقابله‌ای زنان نابارور و زنان بارور تفاوت معناداری وجود دارد. زنان نابارور در مقایسه با زنان بارور از سلامت روانی کمتر و سازگاری زناشویی کمتر برخوردارند. همچنین، زنان نابارور از پاسخ‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار بیشتر استفاده می‌کنند و سازگاری زناشویی کمتری دارند. باقری و همکاران (۱۳۸۹) بین سبک‌های مقابله‌ای، جو خانوادگی و شادکامی، همبستگی معناداری وجود دارد. بدین صورت سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار و مولفه‌های مربوط به محیط خانواده «انسجام و سازماندهی» با متغیر شادکامی همبستگی مثبت و بین تعارض و شادکامی همبستگی منفی دارند. از یافته‌های قابل‌انتظار در پژوهش حاضر وجود ارتباط معنادار بین سازگاری زناشویی و انسجام خانواده بود. در تبیین نتایج این چنین می‌توان استنباط کرد که سازگاری زناشویی و انسجام خانواده دو رکن به هم پیوسته و ضروری در محیط خانواده می‌باشند. همانگونه که در مقدمه به این مطلب اشاره شد، اگر همسران سطح مساعدی از سازگاری را داشته باشند، به طور مسلم آن خانواده در سطح مطلوبی از انسجام قرار خواهد گرفت. وقتی که همسران بر سر مسائل مختلف با یکدیگر سازگاری دارند، مسیر حرکت و پیشرفت خانواده را در یک مسیر مشترک قرار می‌دهند. در غیر این صورت هر یک از اعضای خانواده برای خود مسیرهای مختلف و حتی در تضاد با دیگران طراحی می‌کنند که با انسجام و عملکرد مطلوب خانواده در منافات می‌باشد و اعضای خانواده را به سمت از هم گسیختگی، اعتیاد، طلاق و بزهکاری فرزندان می‌کشاند. وجود خانواده سالم به بهداشت روانی اعضای کمک فراوانی می‌کند و اجتماعی آنها را بهبود می‌بخشد و به افزایش سلامت شخصیت در جامعه منجر می‌شود. و بالاخره زن و مرد موفق از جایگاه و نقش خود در زندگی زناشویی کاملاً رضایت داشته و روز به روز آن را لذت بخش تر می‌یابند (صادقی و حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۰).

در پژوهش حاضر نشان داده شد که بین راهبردهای مقابله‌ای فعال و انسجام خانواده ارتباط معنادار مثبت وجود دارد. در تبیین نتایج می‌توان این گونه استدلال نمود که مقابله مطلوب در برابر موقعیت‌های استرس‌زا و مشکلات زندگی و عدم اجتناب از مشکلات و نبود رفتارهای هیجان‌محور موجب ایجاد انسجام در خانواده می‌شود و نهایتاً حل مشکلات را بدنبال دارد و موجب ارتقای سطح انسجام و عملکرد مطلوب خانواده می‌شود و در نتیجه از طلاق و از هم گسیختگی خانواده پیشگیری می‌کند. با توجه به یافته‌های حاضر می‌توان این چنین نتیجه گرفت

که ارتقاء سطح کیفیت روابط، انسجام و عملکرد درون خانواده از عوامل موثر در پیشگیری از آشفته‌گی‌های زناشویی و طلاق است. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر محدود نمودن عوامل موثر بر انسجام خانواده به متغیرهای سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله‌ای بود که می‌بایست در مطالعات آتی به عوامل موثر دیگر نیز توجه شود. از محدودیت‌های دیگر پژوهش حاضر می‌توان به عدم همکاری دقیق افراد نمونه در تکمیل و عودت پرسشنامه‌ها و وجود برخی سوالات در پرسشنامه سازگاری زناشویی که موجب یک مقاومت نسبی در برخی از افراد می‌شده، اشاره نمود. به منظور پیشگیری و جبران مقاومت‌ها سعی شد با ایجاد رابطه حسنه اثر آنها را به حداقل رساند. نکته قابل ذکر این است که پژوهش حاضر بر روی نمونه‌ای از زنان معلم در شهر رشت انجام شده است، در تعمیم نتایج می‌بایست محتاطانه عمل شود. نتایج این پژوهش را می‌توان در مشاوره‌های خانواده و افرادی که در آستانه طلاق هستند به کار گرفت. همچنین می‌توان به منظور پیشگیری از آشفته‌گی‌های زناشویی، در کارگاه‌های ارتقای سلامت خانواده مورد استفاده قرار داد. از آنجا که ارتقای سطح انسجام خانواده‌ها هدف نه‌ای خدمات تربیتی در مرحله پیشگیری اولیه از طلاق می‌باشد، بنابراین لازم است تا مطالعات گسترده‌ای در زمینه عوامل موثر بر ارتقاء انسجام خانواده صورت گیرد تا گام‌های مثبتی در جهت پیشگیری از برداشته شود.

منابع

- ابراهیمی، امرالله، شیخ زین الدینی، سارا و مرآئی، محمد رضا. (۱۳۹۰). ارتباط آسیب‌شناسی روانی روابط خانواده با آسیب‌پذیری شناختی (نگرش‌های ناکارآمد و تحریف‌های شناختی بین فردی). دانشکده پزشکی اصفهان، ۲۹(۱۶۷)، ۱-۹.
- اکبری، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). مشکلات جوانی و نوجوانی، تهران: رشد و توسعه.
- باباخانی پور، حمید. (۱۳۸۹). مقایسه عملکرد خانوادگی و رضایت زناشویی والدین نوجوانان اقدام‌کننده و غیراقدام‌کننده به خودکشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ.
- باقری، نسرین، احدی، حسن، لطفی کاشانی، فرح. (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های مقابله‌ای و جو خانوادگی با شادکامی. تحقیقات روانشناختی، ۲(۸)، ۲۱-۲۳.
- بخشی پور، باب‌اله، اسدی، مسعود، کیانی، احمدرضا، شیرعلی پور، اصغر و احمد دوست، حسین. (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۳(۲)، ۱۱-۲۱.
- بنی‌جمالی، شکوه‌السادات، یزدی، سیده منوره و نفیسی، غلام‌رضا. (۱۳۸۳). ریشه‌یابی علل از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگی‌های روانی-اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج. علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۱(۲-۱)، ۱۴۳-۱۷۰.
- تمنایی فر، محمد رضا. (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای سلامت روانی، سازگاری زناشویی و پاسخ‌های مقابله‌ای در زنان بارور و نابارور. روانشناسی بالینی و شخصیت، ۳(۴)، ۵۱-۶۰.

جنتی جهرمی، مهرداد، معین، لادن و یزدانی، لیلا. (۱۳۸۹). بررسی مقایسه‌ی رابطه‌ی میان ویژگی‌های شخصیتی و رضایتمندی زناشویی در زنان شاغل شهر کازرون. زن و جامعه، ۱(۲)، ۱۴۳-۱۶۲.

چراغی، مهر آذر و حسن زاده، مرضیه. (۱۳۹۰). رابطه‌ی میزان انسجام خانواده با شیوه‌های مقابله با استرس نوجوانان دختر و پسر، دانشگاه آزاد مرودشت، دومین همایش ملی روانشناسی- روانشناسی خانواده، ۱۷ الی ۱۹ اسفند، ۵-۱.

حجتی نیا، فاطمه، پور شافعی، هادی، دستجردی، رضا. (۱۳۹۲). بررسی مقایسه‌ی رابطه‌ی بین سبک زندگی و سبک‌های مقابله با استرس با فرسودگی شغلی آموزگاران آموزش و پرورش استثنایی و عادی شهر بیرجند. تعلیم و تربیت استثنایی، ۱۳(۶)، ۶-۲۰.

حق شناس، سید جعفر. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی خانواده مجموعه مقالات، تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.

زرگر، یدالله، نجاریان، بهمن و نعیمی، عبدالزهررا. (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی (هیجان خواهی، ابراز وجود، سرسختی روانشناختی) نگرش مذهبی و رضایت زناشویی با آمادگی اعتیاد به مواد مخدر در کارکنان یک شرکت صنعتی در اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۳(۱)، ۹۹-۱۰۳.

سادوک، بنیامین جیمز و سادوک، ویرجینیا آلکوت. (۲۰۰۷). خلاصه روانپزشکی کاپلان و سادوک (جلد اول)، ترجمه دکتر فرزین رضاعی و دکتر محسن ارجمند (۱۳۹۱)، تهران: ارجمند.

ساروخانی، باقر. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.

سودانی، منصور، مهرابی زاده هنرمند، مهناز و فرح بخش، سارا. (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی آموزش به شیوه شناختی- رفتاری بر بهبود عملکرد خانواده زوجین ناسازگار. دست‌آوردهای روانشناختی، ۴(۲)، ۷۱-۸۶.

سیف، سوسن و اسلامی، معصومه. (۱۳۸۶). نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی. مطالعات جوانان، ۱۰، ۵۹-۸۲.

صادقی، عباس و حسینی دولت‌آبادی، فاطمه. (۱۳۹۱). نگاهی بر ۵۰ مسئله تربیتی در خانواده، رشت، حق شناس.

عبداللهی، افسانه، کافی، سید موسی و شاهقلیان، مهناز. (۱۳۹۰). رابطه هوش هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای با رضایت و همسازی زناشویی. روان‌شناسی تحولی، ۷(۳۷)، ۲۸۷-۲۷۹.

علوی، سید ابوالقاسم. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین طلاق و بزهدکاری. اصلاح و تربیت، ۷۱، ۱۰-۱۴.

علویان، سید موید، فتحی آشتیانی، علی، عزیزآبادی فراهانی، مهدی و مغانی لنگرانی، مریم. (۱۳۸۵). ارتباط کیفیت زندگی و روابط زناشویی در مبتلایان به هیپاتیت مزمن ویروسی.

تحقیقات علوم رفتاری، ۴(۲۱)، ۱۳-۲۰.

غفوری ورنو سفادرانی، محمدرضا، گل پرور، محسن و مهدی زادگان، ایران. (۱۳۸۸). سبک‌های

- دل‌بستگی و نگرش‌های مذهبی به عنوان پیش‌بینی‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی. تحقیقات علوم رفتاری، ۲۷(۲)، ۱۴۳-۱۵۳.
- قدیری، فاطمه و نوش کیا، ساحل. (۱۳۸۷). سهم ابعاد کارکرد خانواده در میزان استفاده از راهبردهای مقابله در بیماران مبتلا به اختلال مولتیپل اسکلروزیس. خانواده پژوهی، ۴(۱۳)، ۵۱-۶۲.
- قربانی، بیژن. (۱۳۸۵). مقایسه افسردگی در کودکان و نوجوانان خانواده‌های عادی و خانواده‌های متقاضی طلاق شهر اصفهان. دانش و پژوهش در روانشناسی، ۲۷، ۹۵-۱۱۲.
- کدیور، پروین، اسلامی، عبدالله و فراهانی، محمد تقی. (۱۳۸۳). بررسی رابطه ساختار تعاملات خانواده (عملکرد خانواده) با سبک‌های مقابله با فشارهای روانی و تفاوت‌های جنسی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی. روانشناسی و علوم تربیتی، ۶۹، ۹۷-۱۲.
- کلانتری، عبدالحسین، روشن فکر، پیام و جواهری، جلوه. (۱۳۹۰). آثار و پیامدهای طلاق مروی نظام مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسی (۱۳۹۰-۱۳۷۶). زن در توسعه و سیاست، ۹(۳)، ۱۱۱-۱۳۱.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۰). مبانی جرم‌شناسی، جلد دوم (طلاق)، تهران: دانشگاه تهران.
- یوسفی، ناصر. (۱۳۹۰). مقایسه اثر بخشی دو رویکرد خانواده درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی و نظام عاملی بوون بر میل به طلاق در مراجعان متقاضی متارکه. روانشناسی بالینی، ۳(۳)، ۵۳-۶۴.
- یوسفی، ناصر و باقریان، مهرنوش. (۱۳۹۰). بررسی ملاک‌های همسرگزینی و فرسودگی زناشویی به عنوان متغیرهای پیش‌بین زوجین متقاضی طلاق و مایل به ادامه زندگی مشترک. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱(۱)، ۲۸۴-۳۰۱.

- Bargain, O., González, L., Keane, C., & Özcan, B. (2012), Female labor supply and divorce: New evidence from Ireland, *European Economic Review*, 56, 1691- 1675.
- Baumrin, B (2012), Divorce, *Encyclopedia of Applied Ethics* (Second Edition), New York.
- Boysan, M. (2012), Validity of The Coping Inventory for Stressful Situations - Short Form (CISS-21) in a Non-Clinical Turkish Sample, *Düşünen Adam The Journal of Psychiatry and Neurological Sciences*, 25, 107-101.
- Busby, D. M., Christensen, C., Crane, D. R., & Larson, J. H. (1995). A revision of the dyadic adjustment scale for use with distressed and non distressed couples: Construct hierarchy and multidimensional scales. *Journal of Marital and Family Therapy*, 21, 3, 289-308.
- Carolyn, Y., Fang, B. L., Egleston, K. M., Brown, V. Lavigne, V. J., Stevens, B. A., Barton, Donald, W. C., & Dorgan, J. F. (2009), Family Cohesion Moderates the Relation Between Free Testosterone and Delinquent Behaviors in Adolescent Boys and Girls, *Journal of Adolescent Health*, 44, 597-590.
- Clarke, V. A., & Lavery, J. F. (1999), Prostate cancer: Patients' and spouses' coping and marital adjustment, *Psychology, Health & Medicine*, 4, 302- 289.
- Coonrod, D. V., Balcazar, H., Brady, J., Garcia, S., & Van Tine, M. (1999), Smoking, acculturation and family cohesion in Mexican-American women, *Ethnicity and Disease*, 9, 440-434.
- Crane, D. R., Middleton, K. C., & Bean, R. A. (2000), Establishing criterion scores for the Kan-

- sas Marital Satisfaction Scale and the Revised Dyadic Adjustment Scale, *American Journal of Family Therapy*, 28, 60-53.
- Dahlquist, L. M., Czyzewski, D. I., & Jones, C. L. (1996), Parents of Children with Cancer: A Longitudinal Study of Emotional Distress, Coping Style, and Marital Adjustment Two and Twenty Months After Diagnosis, *Journal of Pediatric Psychology*, 21, 554-541.
- Endler, N. S., & Parker, J. D. (1990), Multidimensional assessment of coping: a critical evaluation, *Journal of Personality and Social psychology*, 58, 854-844.
- Esmacili Kia, M., Golzari, M., & Sohrabi, F. (2013), The Effectiveness Of Teaching Stress-coping Strategies To Enhance Marital Satisfaction of woman After Partners Extramarital Affair, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 84, 75 -70.
- Fischer, L., Ransom, D. C., Terry, H. E., & Burge, S. (1992), The California Family Health Project: IV, Family structure/organization and adult health, *Family Process*, 31, 4 19-399.
- Graham, J. R., Bianca, A. L., & Patrick, J. M. (1997), Primary juvenile fibromyalgia. Psychological adjustment, family functioning, coping, and functional disability, *Arthritis & Rheumatism*, 40, 760-752.
- Johnson, H. D., Lavoie, J. C., & Mahoney, M. (2001), Interparental Conflict and Family Cohesion Predictors of Loneliness, Social Anxiety, and Social Avoidance in Late Adolescence, *Journal of Adolescent Research*, 16, 318-304.
- Krejcie, R., & Morgan, D. (1970), Determining sample size for research activities, *Educational and Psychological Measurement*, 30, 610-607.
- Lazarus, R. S., & Folkman, S (1984), *Stress, appraisal, and coping*, New York: Springer Company.
- Locke, H. J., & Wallace, K. M. (1959), Short marital adjustment and prediction tests: Their reliability and validity, *Marriage and Family Living*, 21, 255-251.
- Lussier, Y., Sabourin, S., & Turgeon, C. (1997), Coping Strategies as Moderators of the Relationship between Attachment and Marital Adjustment, *Journal of Social and Personal Relationships*, 1, 791-777.
- Mahmoodi, F. (2011), The relationship between the coping styles with stress and marital satisfaction and their comparison among female student and normal population of women in Tehran, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 1302- 1301.
- Mahmoodi, F. (2011), the relationship between the copings styles with stress and marital satisfaction and their comparison among female student and normal population of women in Tehran, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 1302-1301.
- Melinds, L., Nancy, G., Guerra, R., & Toro, I. (2010), Positive parenting, Family cohesion, and child social competence Among Immigrane Latino Families, *Journal of Family psychology*, 24, 260- 252.
- Miranda, A. O., Estrada, D., & Firpo-Jimenez, M. (2000), Differences in Family Cohesion, Adaptability, and Environment among Latino Families in Dissimilar Stages of Acculturation, *The Family Journal*, 8, 350-341.
- Mirfardi, A., Edalati, A., & Redzuan, M. (2010), Relationship between background factors and female marital satisfaction, *Journal of social science*, 6, 452- 447.
- Olson, D. H., Portner, J and Lavee, Y. (1985), *FACES III Family Social Science*, ST. Paul Minnesota: University of Minnesota. U S A.
- Pudrovska, T., & Carr, D. (2008), Psychological adjustment to divorce and widowhood in mid- and later life: do coping strategies and personality protect against psychological distress? *Advances in Life Course Research*, 13, 317-283.

- Sadeghi, A., Asghari, F., Saadat, S., & Nikooy Kupas, E. (2014), The Relationship between Family Cohesion and Coping Strategies with Positive Attitude to Addiction among University Students, *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, 4(11): 285-294.
- Sohrabi, R., Aghapour, M., & Rostami, H. (2013), Inclination to forgiveness and marital satisfaction regarding to mediator attachment styles role, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 84, 1624- 1622.
- Straud, C., Ddurbin, E., Saigal, S., & Fedders, L. (2010), Normal and abnormal personality traits are associated with marital satisfaction for both men and women: An actor-partner interdependence model analysis, *Journal of Research in Personality*, 44, 477- 466.
- Trask, P. C., Paterson, A. G., Trask, C. L., Bares, C. B., Birt, J., & Maan, C. (2003), Parent and Adolescent Adjustment to Pediatric Cancer: Associations with Coping, Social Support, and Family Function, *Journal of Pediatric Oncology Nursing*, 20, 47-36.
- Walsh, F. (2009), *Spiritual Resources in Family Therapy*, the Guilford Press, New York.
- Wiley, J and Inc, S (2005), *Handbook of Clinical Family Therapy*, Simultaneously, Canada.